

آداب گفت‌وگو و جدال أحسن در اسلام

(با تکیه بر مناظره های شبکه های تلویزیونی ماهواره ای)

ابیوب شافعی پور*

چکیده:

رسانه در جهان امروز، ابزاری است قدرتمند برای تبادل آرا و افکار و شناساندن آنها به مخاطبانی که با وجود بُعد مسافت، به کمک رسانه زیر یک چتر قرار گرفته اند. یکی از این رسانه ها، شبکه های تلویزیونی ماهواره ای است که جهان اسلام نیز برای شناساندن، تبلیغات و عرضه دین خود، از آن استفاده می کند. برخی از شبکه های تلویزیونی ماهواره ای که با هدف تبلیغ دین اسلام راه اندازی شده اند رسالت خود را فراموش کرده و به نزاع و گفت‌وگو با هم‌کیشان خود در داخل اسلام روی آورده اند. اغلب این گفت‌وگوها نیز خارج از چهارچوب و قوانینی است که اسلام آنها را با عنوان «جدال أحسن» معرفی کرده است. اسلام راهکارهایی را برای گفت‌وگو و مناظره معرفی کرده است که اگر رسانه های امروزی، به آن پایبند باشند تا حد زیادی به حل شدن برخی اختلافات کمک می کند و اگر آن اصول و قوانین نادیده گرفته شود، آن گفت‌وگوها نتیجه ای جز نزاع و چنددستگی نخواهد داشت. در این پژوهش نگارنده با بررسی آیات و روایات، آداب گفت‌وگو و جدال أحسن را بررسی و با پیشنهاد دادن راهکارهایی که پژوهشگر بدان دست یافته اند، کوشیده است آن را بر مناظره ای شبکه های تلویزیونی ماهواره ای اسلامی منطبق سازد و با شیوه توصیفی-تحلیلی به نقد و بررسی آن دست زند.

واژگان کلیدی: مناظره، گفت‌وگو، جدال أحسن، رسانه، شبکه های ماهواره ای

مطالعات رسانه‌ای
سال اول، شماره اول
پاییز و زمستان ۱۳۹۳

مقدمه

اختلاف در میان انسان‌ها امری طبیعی و مشهود است. یکی از صورت‌های اختلاف بین مردم، اختلاف در مسائل شرعی و دینی است که اسباب مختلفی باعث به وجود آمدن آن شده است، مانند: ۱. دلالت برخی از نصوص شرعی که ظنی هستند؛ و چون قطعی نیستند، باعث شده است اجتهادها و برداشت‌های فراوانی از آن نصوص بشود؛ ۲. تفاوت عقول و اذهان مردم از جهت برداشت؛ ۳. تفاوت در میزان بهره‌مندی از علم و دانش، یکی عالم است و دیگری اعلم، که خداوند در این باره می‌فرماید: «وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ» و فوق هر صاحب دانشی دانشوری است» (یوسف، ۷۶)؛ ۴. داشتن تعصب به سخن، مذهب، عالم یا نظریه‌ای. اما مردم برای حل این اختلافات - چه کلی و چه جزئی - راه‌های مختلفی را انتخاب می‌کنند، از جمله: ۱. جنگ فیزیکی؛ برخی از مردم جنگیدن را بهترین راه حل برای حل اختلافاتشان می‌پندارند؛ همان‌گونه که امروزه هم می‌بینیم اولین قدم بسیاری از کشورها برای حل و گشایش اختلافاتشان، جنگیدن با مخالف خود است، که طبعاً نیز نتیجه‌ای نخواهد داشت. در اسلام همیشه جنگ آخرین گزینه بوده است، و اگر هم جنگ‌هایی انجام شده به هدف و اداری کردن کسی به دخول به اسلام نبوده است؛ چون خداوند می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»؛ در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه به خوبی آشکار شده است» (البقره، ۲۵۶)، بلکه دلیل جنگ نابودی طاغوت‌هایی بوده است که مردم را در حصار خود گرفته و از مردم نسبت به انتخاب دین مورد نیاز خود سلب آزادی کرده بودند؛ ۲. گفت‌وگو؛ یکی از بهترین راه‌های حل اختلافات - چه در درون دین و با مسلمانان دیگر و چه در خارج از دین و با غیرمسلمانان - گفت‌وگوست.

امروزه بسیاری از رسانه‌ها در فضای مجازی - به‌ویژه تلویزیون‌های ماهواره‌ای - در حال تبلیغ افکار خود - در میان پیروان اسلام یا میان پیروان ادیان دیگر - هستند. این گونه رسانه‌ها اغلب برای پاسخ دادن به شبهات دیگران شیوه مناظره را برگزیده‌اند، اما تخریب دیگران جز جدانشدنی بیشتر این مناظره‌ها بوده است. در واقع این رسانه‌ها تریبون‌هایی برای ایجاد تفرقه و فتنه مذهبی شده‌اند و برای رسیدن به اهداف خود، گاه همه قید و بندها را زیر پا گذاشته‌اند. متأسفانه فضای حاکم بر جهان اسلام و منازعات بی‌علت و دلیل میان اهل تسنن و تشیع، تا حد زیادی از عملکرد نادرست و مغرضانه برخی از این رسانه‌ها سرچشمه می‌گیرد. در یک کلام بسیاری از این رسانه‌ها هیچ‌گاه به فقه رسانه‌پاییند نبوده‌اند (رک: محمدزاده، ۱۳۹۲، ۷۳).

امت اسلامی در دنیای کنونی باید رسانه را همچون ابزاری قدرتمند برای وحدت مسلمانان - که قرآن آنها را امت واحد خوانده است - به کار برد و با کمک آن، در مقابل دشمنان مشترکی که هرروز بر تعدادشان نیز افزوده می‌شود مقتدرانه بایستد و از این ابزار به منظور تقویت و پاسداری از اتحاد مسلمانان و تبلیغ برای اسلام استفاده کند، اما متأسفانه امروزه با کمک دشمنان اسلام، تعداد زیادی

شبکه ماهواره‌ای به نام اسلام و مسلمانان در اقصی نقاط جهان تأسیس شده‌اند که رسالتشان فقط و فقط، برهم زدن اتحاد مسلمانان و وحدت اسلامی و ریشه‌کن کردن اخوت، همدلی و برادری اسلامی است.

پژوهش حاضر با هدف آسیب‌شناسی و ایجاد راهکارهایی که از آموزه‌های اسلام سرچشمه گرفته است، برای اصلاح آداب، گفت‌وگو و جدال احسن شبکه‌های ماهواره‌ای مذهبی اسلامی نگاشته شده است؛ زیرا اگر رسانه‌های جهان اسلام، به‌ویژه رسانه‌های جدید، رسالت خود را در نشر فرهنگ اسلامی و اخوت دینی درست ادا کنند، خود عاملی بزرگ برای اتحاد مسلمانان خواهند بود.

پیشینه بحث

درباره موضوع آداب گفت‌وگو و جدل پژوهش‌های متفاوتی انجام شده است. بسیاری از آثاری که در این زمینه نگاشته شده آداب گفت‌وگو را از منظر قرآن یا سنت بررسی کرده‌اند. آثاری مانند «آداب گفت‌وگو از دیدگاه قرآن و حدیث»، اثر جواد ایروانی (رک: مجله الهیات و حقوق، ش ۲۵، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۶)، فن مناظره، اثر حمید غروی (قم: دارالعلم، ۱۳۸۷)، «معیارهای گفت‌وگوی اسلامی با تکیه بر آیات قرآنی»، اثر مسعود شاورانی (راهکارهای اندیشه‌ای و کاربردی تحقق تقریب مذاهب اسلامی، مجموعه مقالات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۳۸۹) مسئله آداب گفت‌وگو و جدل را به صورت کلی مطرح کرده‌اند.

ویژگی بارز تحقیق پیش‌رو، آسیب‌شناسی و تطبیق مناظره‌ها و گفت‌وگوهای شبکه‌های مذهبی ماهواره‌ای با توجه به آیات قرآن، روایات نبوی نزد فریقین و اخلاق و سیره ائمه علیهم‌السلام است و با دیدی جدید و نو، درصدد بررسی موضوعاتی مانند اهمیت گفت‌وگو، آداب، چهارچوب و قوانین گفت‌وگو، ویژگی‌های دو طرف گفت‌وگو و مباحث دیگر مربوط به این بحث و تبیین و نقد مباحث برآمده است.

ارتباطات ماهواره‌ای ابزاری قدرتمند برای تبلیغ دین

اولین بار ایده ارسال ماهواره‌ای را آرتور چارلز کلارک (Arthur Charles Clarke)، نویسنده داستان‌های علمی-تخیلی، در سال ۱۹۴۵م مطرح کرد (استوت، ۱۳۸۸، ۲۹).

از زمانی که رادیو و تلویزیون به وجود آمدند، نهادهای دینی از آنها برای موعظه و تبلیغ استفاده کردند (قادری، ۱۳۹۱، ۱۶). مسیحیان بنیادگرا، از اولین نهادهایی بودند که از پخش برنامه رادیویی استفاده کردند و اولین گروهی بودند که در ایالات متحده توان پخش برنامه ماهواره‌ای را به دست آوردند (شاکر نژاد، ۱۳۸۹، ۱۲۳).

به تدریج و با ایجاد کانال‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، همه ادیان، مذاهب، مکاتب و فریق درصدد تبلیغ

اندیشه خود به وسیله راه‌اندازی کانال تلویزیونی ماهواره‌ای برآمدند. در نتیجه این تصمیم است که امروزه صدها یا هزاران شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای در حال تبلیغ اندیشه دینی خود هستند و از این امکان برای نشر تفکرات خود سود می‌برند. شبکه‌های ماهواره‌ای اسلامی نیز از قافله رسانه‌های دینی دیگر عقب‌مانده و همواره پایاپای با شبکه‌های دیگر، در حال تبلیغ اسلام یا تبلیغ اندیشه مذهبی خود هستند.

تبلیغات دینی از طریق شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، به دلیل محدود نبودن این شبکه‌ها به مکان و زمان خاصی، تأثیرانکارناپذیری دارد که ممکن است منفی یا مثبت باشد. اگر به انقلاب‌های سال‌های اخیر در کشورهای عربی، که از آن با نام «بیداری اسلامی» یاد می‌شود، بنگریم، متوجه خواهیم شد که شبکه‌های اجتماعی و به‌ویژه شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در آنها تأثیر شگرفی داشته‌اند. استفاده از این شبکه‌ها در انقلاب‌های یادشده نه تنها در درون کشورهای انقلابی تأثیرگذار بوده است، بلکه باعث شده است دامنه این انقلاب‌ها به آن کشور محدود نشود و کشورهای عربی دیگر را نیز دربرگیرد (رک: ابراهیمی، ۱۳۹۰، ۱۱۲).

جدل پسندیده

گفت‌وگو، جدل، و مناظره الفاظی نزدیک به هم هستند، هرچند که اغلب واژه «جدل» در قرآن به معنای جدل ناپسند و مذموم است (مانند «يُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ؛ کسانی که کافر شده‌اند به باطل مجادله می‌کنند تا به وسیله آن حق را پایمال گردانند» الکهف، ۵۶)، نمونه‌هایی را هم می‌توان یافت که از جدل مثبت حکایت می‌کند و به معنای گفت‌وگو و مناظره پسندیده است. آیه ۴۶ سوره عنکبوت یکی از این نمونه‌هاست که در آن می‌فرماید: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ و با اهل کتاب جز به [شیوه‌ای] که بهتر است مجادله نکنید». جدل احسن بیان شده در این آیه برای دعوت یهود و مسیحیان به اسلام است. در آیه «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای» (النحل، ۱۲۵) نیز جدل در معنای مثبت آن به کار رفته است. از نمونه‌های دیگر آیه ۷۴ سوره هود است که می‌فرماید: «فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ؛ پس وقتی ترس ابراهیم زایل شد و مزده [فرزنددار شدن] به او رسید، درباره قوم لوط با ما [به قصد شفاعت] چون و چرا می‌کرد». برای واژه جدل در لغت، معانی مختلفی ذکر شده است که بافتن محکم ریسمان (جوهری، ۱۴۰۷ق، ۴/۱۶۵۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۱/۱۰۳؛ زبیدی، بی‌تا، ۲۸/۱۹۱) و چیزی مستحکم (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ۱/۴۳۳) از معنای پرکاربرد آن است. براساس این معانی و با اندکی تأمل در تعاریف لغویین می‌شود از واژه جدل، معنای محکم و مستحکم را فهمید.

معنای اصطلاحی جدل نیز از معنای لغوی آن خارج نیست و به گفت و گوی محکم، نزاع و مخاصمه با مخالف برای تغییر عقیده وی گفته می شود (ابن اثیر، ۱۳۹۹ق، ۱/ ۲۴۷-۲۴۸؛ وزارت اوقاف کویت، ۱۴۰۴ق، ۱۵/ ۱۲۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۱/ ۱۰۳).

گفت و گو بهتر از جنگ

شکی در این نیست که مذاکره و گفت و گو درباره موضوعی محل اختلاف میان دو یا چند نفر یا گروهی از افراد، بهتر از درگیری نظامی و جنگ و خونریزی و سلاح کشیدن علیه هم است. رویدادهای گوناگون تاریخ این دیدگاه را تأیید می کند. یکی از این رویداده، فتح مکه بود که در آن، نه تنها دشمنان بلکه دوستان هم انتظار انتقام جویی شدید مسلمانان و به راه انداختن حمام خون در سرزمین کفر و شرک را داشتند و حتی برخی از پرچم داران سپاه اسلام شعار «امروز، روز انتقام، روز از بین رفتن احترام نفوس و اموال دشمنان و روز ذلت و خواری قریش است» را سردادند، اما پیامبر گرامی اسلام (ص) با جمله «بروید و همه آزادید» تمامی مشرکان را مشمول عفو خود قرار داد. همین عمل چنان توفانی در سرزمین دل های مشرکان مکه برپا کرد که به گفته قرآن، فوج فوج مسلمان شدند و اسلام را با جان و دل پذیرفتند (ابن هشام، ۱۳۷۵ق، ۲/ ۴۱۲).

نمونه ای دیگر مشهور در تاریخ اسلام، رویدادهای مربوط به فرقه خوارج است. حضرت علی (ع) با اندیشه و تدبیر رأی و خرد بالایی سیاسی خود، قبل از جنگیدن با خوارج - که خود منتظر بهانه ای بودند تا با حضرت (ع) وارد جنگ شوند - اولویت اول را حل مسالمت آمیز مسئله با گفت و گو و جدل احسن دانستند؛ به همین علت ابن عباس را برای گفت و گو با خوارج به منطقه ای که این گروه در آنجا مستقر شده بودند یعنی حروراء (که منطقه ای روستایی نزدیک کوفه بود) فرستادند (طبری، ۱۳۷۵، ۱/ ۳۸۵؛ حموی، ۱۹۹۵م، ۲/ ۲۴۵). بر اثر سخنانی که ابن عباس در آنجا از قول امام علی (ع) مطرح کرد و پس از گفت و گوی میان او و خوارج، تعداد زیادی از اعضای این گروه - که درباره تعداد دقیق آنها بین مورخان اختلاف هست و برخی هشت هزار نفر، برخی چهار هزار نفر و برخی دیگر آن را دوهزار نفر ذکر کرده اند - با گوش شنوایی که داشتند به آیه «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ؛ پس بشارت ده با آن بندگان من که به سخن گوش فرامی دهند و بهترین آن را پیروی می کنند، اینانند که خدا هدایتشان نموده و اینانند همان خردمندان» (الزمر، ۱۷ و ۱۸) عمل کردند و خود را از مهلکه نجات دادند (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ۷/ ۲۷۶-۲۸۵؛ العسکری الحنبلی، ۱۴۰۶ق، ۱/ ۴۶ و ۴۷).

اینها نمونه هایی بودند از تأثیر گفت و گو که باعث شد جان تعداد زیادی از مخاصمه و قتل و خونریزی نجات پیدا کند. این از تفکر خرداندیشی و خردورزی پیامبر (ص) و علی بن ابی طالب (ع) بود که قبل از گزینه نظامی، گزینه گفت و گو را پیش کشیدند. حضرت علی (ع) تا وقتی خوارج به جنگ روی

نیاورند، به انتخاب گزینه نظامی و جنگ با آنها دست زند و همچنان برگفت وگو تأکید می‌کرد. ایشان با این اقدام خویش ثابت کرد که گفت وگو از شمشیر برنده‌تر و اثرش بیشتر است.

اهمیت گفت وگو

گفت وگو از دو منظر اهمیت ویژه‌ای دارد:

۱. دعوت مردم غیرمسلمان به اسلام و آگاهی دادن به ناآگاهان مسلمان: گفت وگو و جدال احسن با غیرمسلمانان و قانع کردن آنها به اینکه دین اسلام، دین حق است که هیچ شکی در آن نیست و گفت وگو با آنها بی که خود مسلمان اند، اما در دین به دلایلی کج رفته و از سرچشمه دور گشته‌اند، برای بازگرداندن آنها به قرآن، سنت و عترت و دعوت آنها به اینکه به آنها پایبند باشند بسیار اثرگذار است. در قرآن کریم نیز به این نوع گفت وگوها که بین پیامبران الهی و قوم آنها شکل گرفته، اشاره فرموده است؛ مانند قوم نوح که به ایشان گفتند: «يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ»؛ ای نوح واقعا با ما جدال کردی و بسیار [هم] جدال کردی؛ پس اگر از راست‌گویانی آنچه را [از عذاب خدا] به ما وعده می‌دهی برای ما بیاور) (هود، ۳۲). حضرت نوح (ع) طبق بیانات قرآن کریم، قبل از هر چیزی با قوم خود گفت وگو کرد و با جدال احسن کوشید آنها را به راه راست هدایت کند تا اینکه دیگر خود قوم او نخواستند ایشان با آنها گفت وگو کند و به عبارت دیگر به خدا و رسولش اعلام جنگ دادند.

با توجه به این نمونه‌ها ما نیز نیازمند گفت وگو بین مذاهب و ادیان با هدف رسیدن به سرچشمه و اسلام خالص به دور از هرگونه آلودگی و کمی و کاستی و نقصان یا حتی ذره‌ای اضافات هستیم. بدون شک رسیدن به این سرچشمه و نیز حل اختلافات بین فرق اسلامی و ادیان دیگر، جز با گفت وگو و صحبت ممکن نیست. هدف اول از گفت وگو در این موارد دعوت غیرمسلمانان به اسلام و دعوت گمراهان به بازگشت به اسلام ناب است.

۲. حل کردن مسائل اجتهادی اختلافی: از گفت وگو می‌توان برای رسیدن به نکته مشترک و روشن کردن اختلافات اجتهادی مجتهدان بهره برد. پس دو نفر یا گروهی برای مشخص شدن حق در یک مسئله اجتهادی اختلافی که نص صریح یا اجماعی بر آن نیست، می‌توانند به گفت وگو و مناظره با هم روی آورند، اما آنها نباید تصور کنند که حتماً در مناظره میان دو طرف باید یک طرف حق باشد و طرف دیگر باطل، بلکه هر طرف که ادله طرف مقابلش را قوی‌تر تشخیص دهد، باید آن را بپذیرد و طرف دارای ادله قوی‌تر هم نباید پندارد که طرف دیگر باطل بوده است، بلکه باید به این نکته توجه کند که آن طرف تا به حال این ادله قوی را به هر دلیلی ندیده یا نشنیده و اکنون که به آن رسیده است قبول می‌کند و می‌پذیرد. برخی فکرمی‌کنند در مناظره و گفت وگو، فقط حق با

خودشان است و دیگران فقط مقلد محض اند و چیزی برای گفتن ندارند. این طرز تفکر خود باعث بی نتیجه ماندن بحث خواهد شد. وقتی هم ما مثلاً با یک یهودی بر سر حقانیت اسلام گفت و گو و جدال احسن می کنیم، احتمال دارد که اول مسلمان بشود؛ که اگر چنین شد، فها و اگر نشد ما ضرری نکردیم و نباید پنداشت که مناظره را باخته ایم یا چون می دانیم که او حرف ما را قبول نمی کند، دیگر با او گفت و گو نمی کنیم.

آداب و قوانین گفت و گو و مناظره

ضروری است که مسلمانان و به ویژه دعوتگران اسلام، اصول و قواعد گفت و گو با مخالف و دیگران را بدانند. گفت و گو با دیگری یک فنّ است که با نام های دیگری چون جدل و مناظره نیز شناخته می شود. در دنیای امروز، گاه برای این فنّ از اصطلاح جدید «روابط عمومی» استفاده می کنند. روابط عمومی یعنی حُسن ارتباط با دیگری به منظور گفت و گو با وی و قانع کردن یا تصحیح افکار طرف مقابل (سفیدی، ۱۳۸۳، ۱۵).

هرگفت و گو، مناظره یا جدل چهارچوب و قواعدی دارد که عبارت اند از:

۱. **مشخص نمودن موضوع مورد بحث:** نخستین قدم در انجام دادن گفت و گو و مناظره انتخاب یک موضوع است. اهمیت این قاعده از آنجا ناشی می شود که ممکن است در یک گفت و گو، موضوع های بسیاری مطرح شود و گفت و گوکنندگان در بحث از این شاخه به آن شاخه بپرند و گفت و گو به درازا بکشد؛ همچنین جدل و گفت و گویی «بِاللّٰتِي هِيَ اَحْسَنُ» است که درباره یک موضوع مشخص باشد.

۲. **بحث درباره اصل قبل از وارد شدن به فروع آن:** طرف های گفت و گو باید قبل از هر چیز در اصل مطلب مناقشه و به نتیجه برسند و بعد از آن وارد فروع و بحث سر آن شوند؛ زیرا مناقشه سر اصل و فرع با هم نتیجه بخش نیست مگر اینکه تکلیف اصل قضیه قبل از فرع آن مشخص شود. اکنون برای روشن تر شدن موضوع، مثالی ذکر می شود: اینکه با کافری که حتی روز قیامت را هم قبول ندارد، بجوایم سر مسائلی مانند تعدد زوجات یا حجاب زن ها از دیدگاه اسلام بحث کنیم! چگونه ممکن است با او که اصلی به نام اسلام را قبول ندارد بر سر چنین فروعاتی که در اسلام مطرح است بحث کنیم؟!

۳. **مشخص کردن اصول و منابعی که هنگام اختلاف به آنها رجوع شود:** گفت و گوکنندگان باید منابع و مراجعی را مشخص کنند که هنگام بروز اختلاف، به آنها مراجعه کنند؛ برای مثال دو

طرف بپذیرند هنگام بروز اختلافات به قرآن و سنت پیامبر(ص) رجوع کنند.

ویژگی‌های مناظره‌کننده

۱- نیکو، واضح و با کیفیت بودن کلام و سخن: از صفات پیامبر(ص) این بود که با متانت، طمأنینه، وقار و آرامش صحبت و گفت‌وگو می‌کردند همان‌گونه که در روایت آمده است: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن گونه سخن بر زبان می‌راند که اگر کسی کلمات آن را می‌شرد، می‌توانست بشمارد (یعنی واضح و شمرده بود)» (بخاری، ۱۴۲۲ق، حدیث ۳۵۶۸؛ نیشابوری، بی‌تا، حدیث ۲۴۹۳)؛ پس گفت‌وگوکننده باید سلیس، روان، و واضح با طرف خود صحبت کند.

۲- داشتن فکر و تصویری قاطع و مشخص: یعنی اینکه فرد در افکار خود مشوش نباشد و بداند چه می‌خواهد بگوید و انجام بدهد؛ چه بسا کسانی هستند که اندیشه‌ای را مطرح می‌کنند که در حین گفت‌وگو خود متوجه ناصواب بودن آن می‌شوند، درحالی‌که شاید دیگر دیر شده باشد و گفته‌ای که مطرح کرده راهی برای بازگشت برای او نگذاشته باشد. در یک کلام فرد باید بداند چه می‌خواهد بگوید و اول اندیشه کند بعد گفت‌وگو.

۳- چیدمان درست افکار و اندیشه‌ها: قدرت بر اینکه اندیشه‌هایش را با نظم و ترتیب مشخصی بیان کند و به موقع آنها را به همدیگر ربط دهد و از تداخل و مشوش کردن افکار خود جلوگیری کند تا اینکه افکارش دلایلی قوی برای او و به نفع او باشند.

۴- داشتن علم: چه بسا گفت‌وگوکننده‌ای برحق باشد، ولی به دلیل نداشتن علم کافی در مناقشه، آن حق را ضایع کند و نتواند حجت خود را اثبات نماید؛ پس انسانی که علم ندارد نباید وارد مناظره و مناقشه شود حتی اگر حق با او باشد؛ زیرا به سبب نداشتن علم و بصیرت کافی حق را خوار می‌کند یا حرف ناحق طرف مقابل خود را قبول می‌کند.

۵- دارا بودن فهم و هوش: برای درک صحیح دلایل و حجت‌های طرف مقابل خود، شناخت ضعف و قوت آن، و قبول کردن آنچه حق است و رد کردن آنچه باطل است فرد گفت‌وگوکننده باید فهمی قوی و قوه ادراک و تعقلی بالا داشته باشد.

۶- داشتن اخلاص: هدف شخص از گفت‌وگو، باید جست‌وجوی حق و رساندن آن به دیگران

باشد و از همین رو در صورت پیروزی در مناظره، نباید موجب ناراحتی و اندوه طرف مقابل شود؛ به عبارت دیگر باید تمام هدفش کشف حق باشد نه نشان دادن خویش.

۷- **فروتنی**: فروتن بودن و داشتن تواضع هنگام گفت‌وگو یا حتی بعد از پیروزی در مناظره، از بارزترین صفات نیک گفت‌وگوکننده است.

ویژگی‌های منفی یک مناظره

امروزه بسیاری از مناظره‌ها و گفت‌وگوها و حتی آنهایی که بین مسلمانان شکل می‌گیرد و در شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای فراوان به چشم می‌خورد، پراست از ناهنجاری‌ها و ویژگی‌های منفی و خطاهای فراوان مانند موارد زیر:

۱. برخی از مناظره‌کنندگان چنان می‌پندارند که انگار در جنگلی هستند که حیوانات وحشی مانند گرگ در آن زندگی می‌کنند و اگر گرگ خوناخشند، طعمه گرگ‌های دیگر خواهند شد و پیروزی را در مناظره جز از طریق بالا بردن صدا هنگام گفت‌وگو نمی‌بینند. این در حالی است که خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ» از صدای خود بکاه (و فریاد مزین) چرا که زشت‌ترین صداها، صدای خران است» (لقمان، ۱۹).

۲. صحبت کردن مداوم و قطع کردن کلام طرف خود به وسیله پریدن وسط کلام او؛ برخی وقتی صحبت شروع شد با شور و تابی وصف‌نشدنی سخن می‌گویند و اجازه صحبت کردن به خصم خود را نمی‌دهند تا اینکه وقت به پایان برسد و خود را پیروز ببینند یا حتی اگر طرفشان صحبت بکند با پریدن‌های متناوب و پی در پی در کلام او می‌کوشند او را مشوش کنند و با این ترفند خود را پیروز نشان دهند.

۳. رد صحبت‌های طرف مقابل با گفتن کلمات و جملاتی مانند: این کفر است، این فسق است، این بدعت است، این با نصوص شرعی تناقض دارد، این خلاف شرع است، و تلاش برای اقناع و عقب‌نشینی طرف مقابل با عباراتی بزرگ و هول‌انگیز. گاه طرف مقابل هم با شنیدن این جمله‌ها، با خود فکر می‌کند شاید این چنین باشد و عقب‌نشینی می‌کند. هرچند شکی نیست که بیان قول بدعت، قول کفر، و فسق و خلاف شرع جایز نیست و حرام است، اما باید با دلایل قوی ثابت شود که این قول یا کلام طرف مقابل گمراهی و فسق است و صرف گفتن فایده‌ای ندارد و نمی‌تواند اثبات‌کننده چیزی باشد یا چیزی را رد کند. چنین جمله‌هایی مصداق این آیه قرآن است که «لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنَ جُوعٍ؛ نه فربه کند، و نه گرسنگی را باز دارد» (الغاشیة، ۷).

۴. خطاب قرار دادن طرف مقابل خود با واژه‌های نادرست؛ برخی هنگامی که سخنی برخلاف میل خویش از طرف مقابل می‌شنوند و از جواب دادن به آن یا آوردن دلیل عاجزی مانند، شروع می‌کنند

به وصف شخص و خطاب قرار دادن او با الفاظی همچون تو جاهل هستی، تو نادان هستی، تو ایمان ضعیفی داری و... در گفت‌وگو باید از به‌کاربردن این جمله‌ها به دلیل آنکه تهمت به شخص مقابل است و او را برآشفته می‌کند و نیز خارج از موضوع بحث است، خودداری کرد.

آداب گفت‌وگوی صحیح

۱- **نیت پاک و صحیح:** نیت تأثیر بسیاری در اعمال افراد دارد. به دلیل همین تأثیر است که پیامبر اکرم (ص) همیشه بر خالص کردن نیت در اعمال و گفتار تأکید می‌نمودند و آن را شرط قبولی طاعات نزد خداوند بیان می‌کردند. ایشان می‌فرمودند: «هرکس بر پایه نیتش عمل می‌کند» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ۲/ ۸۴)؛ یعنی هرکس هر عملی انجام می‌دهد، هر نیتی در دل دارد با توجه به آن پاداش یا جزا خواهد دید. نمونه دیگری از تأکیدهای پیامبر عظیم‌الشأن اسلام درباره نیت این فرموده است که «همانا اعمال بستگی به نیت آنها دارد، و هرکسی که هر چه قصد نموده، همان برای اوست، پس کسی که برای به دست آوردن دنیا هجرت کند، یا به خاطر به دست آوردن زنی برای ازدواج با او، پس هجرت او به سوی همان چیزی است که بدان نیت کرده و قصدش را داشته است» (نوری، ۱۴۰۸ق، ۱/ ۹۰؛ بخاری، ۱۴۲۲ق، حدیث ۱). همچنین کسی که در کردار یا گفتار خود نیت ناخالصی داشته باشد و برعکس آن جلوه کند، منافق به شمار می‌آید. پیامبر (ص) چنین فردی را به خوبی وصف کرده است: «نشانه منافق سه چیز است: وقتی سخن بگویند، دروغ است، وقتی وعده دهد، تخلف کند، وقتی امین قرار گیرد، خیانت کند» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ۱/ ۶۳؛ بخاری، ۱۴۲۲ق، حدیث ۳۳).

مقصود از گفت‌وگو نباید بالا بردن درجات شخصی و نشان دادن شخصیت خود به دیگران و شناساندن خود به آنها باشد، بلکه باید نیت رسیدن به حق باشد که به دنبال آن می‌گردند و بدان خاطر گفت‌وگو می‌کنند. البته خداوند خود از دل‌ها آگاه است و می‌داند که چه شخصی با چه نیتی گفت‌وگو می‌کند؛ برای نفس خود یا برای پی بردن به حقیقت! پس ممکن است صحیح نزد طرف مقابل تو باشد و خطا نزد تو یا برعکس، یا نزد تو بیشتر حق باشد و نزد خصم تو کمتر یا برعکس؛ پس فرد مسلمان باید با نیت صحیح به دنبال کشف حق و حقیقت باشد (ابونعیم، ۱۴۰۹ق، ۹/ ۱۱۸). آنچه امروز در شبکه‌های مجازی و به‌ویژه ماهواره‌ای مشاهده می‌شود این است که فرد از همان بدو ورود به بحث با نیت اینکه حرف خود را به کرسی بنشانند و مخاطبان خود را بر اینکه او حق است، اقناع کند، می‌کوشد طرف مقابل خود را تحریب کند و با نیت ناپاک در باطن و منافق‌گونه، خود را حق جلوه دهد، هرچند سخنان ظاهراً چیز دیگری را بگویند.

۲- **داشتن فروتنی و تواضع در کلام:** یکی از آداب پسندیده در گفت‌وگو، فروتنی و ورزیدن هنگام بحث و جدل و دوری از کبر و غرور است؛ برخی مردم هنگام روبه‌رو شدن در مناظره‌ها و گفت‌وگوها

برای به کرسی نشاندن کلام خود، شروع می‌کنند به مسخره کردن طرف مقابل به هرنحوی به‌ویژه با حرکات چشم و ابرو و نگاه کردن سُخره‌آمیز. این گونه حرکات و رفتارها از کبر و غرور فرد سرچشمه می‌گیرد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «کبریعی انکار حق، و تحقیر نمودن دیگران» (نیشابوری، بی‌تا، حدیث ۱۴۷)؛ همچنین یکی از موارد غرور و کبر، به‌کار بردن کلماتی مانند: آنچه من می‌گویم، من، پیش من، و به‌طور کلی واژه‌هایی که انانیت فرد را نشان می‌دهد است. نمونه این انانیت در ماجرای سجده نکردن شیطان بر حضرت آدم (ع) به چشم می‌خورد؛ آن زمان که شیطان گفت: «أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ مِنْ أَوْبَانِ نَارٍ، که مرا از آتش و او را از خاک آفریده‌ای» (الأعراف، ۱۲). این گفته شیطان از انانیت، کبر، غرور و خودبینی او برمی‌خاست. نمونه دیگری از کبر و غرور در کلام قارون آمده است آنجا که گفت: «إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي؛ این مال و ثروت فراوان به علم و تدبیر خودم به من داده شد» (القصص، ۷۸). این آیه کبر و غرور و ناسپاسی قارون را نشان می‌دهد. دکتر وهبه الزحیلی در موضوع تواضع در گفتار در بیان تفسیر آیه «وَأَعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيمِ» (لقمان، ۱۹) می‌گوید: «بلندی صدا نشان از تکبر و غرور شخص است و موجب آزدگی خاطر دیگران است، و صدای معتدل و متواضع آرام دلیل فروتنی و تواضع متکلم و سبب بالا رفتن درک کلام او توسط دیگران می‌شود» (زحیلی، ۱۴۲۲ق، ۳ / ۲۰۲۷). به همین خاطر بود که لقمان به فرزند خود سفارش نمود که در زندگی هنگام صحبت و گفت‌وگو با دیگران، با صدای آرام و سرشار از تواضع سخن گوید (شیبانی، ۱۴۱۳ق، ۴ / ۲۰۰).

۳- شنیدن و خوب گوش دادن: در عصر ما که عصر ارتباطات نام گرفته، گوش کردن از همیشه مهم‌تر شده است. گوش دادن در نقش یک سخنران بسیار مهم است، این راهی است که بیشتر ایده‌ها و اطلاعات خود را از طریق آن از تلویزیون، رادیو، مکالمه‌ها و سخنرانی‌ها به دست می‌آورید. اگر خوب گوش نکنید، آنچه می‌شنوید نخواهید فهمید و ممکن است برداشت غلط خود را به دیگران هم منتقل کنید.

گوش دادن به کلام دیگری هنگام گفت‌وگو از فنونی است که کمتر کسی بدان توجه می‌کند؛ زیرا همه عادت دارند بیشتر حرف بزنند تا اینکه به حرف‌ها گوش فرادهند. امروزه اگر با دقت به مناظره‌هایی که در شبکه‌های تلویزیونی برگزار می‌شود نگاه کنید می‌توانید ببینید که فرد هنگام صحبت شخص مقابلش، اصلاً به کلام او توجهی نمی‌کند و با حرکاتی تلاش می‌کند کلام او را به پایان برساند و برای تمام شدن کلام وی لحظه شماری می‌کند. خداوند در این باره چه زیبا ما را راهنمایی می‌فرماید: «فَيَسِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ؛ پس بشارت‌ده با آن بندگان من که به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، اینانند که خدا هدایتشان نموده و اینانند همان خردمندان» (الزمر، ۱۷ و ۱۸). پس هنگام

گفت وگو با دیگری باید سرپا گوش شویم و با دقت سخنان طرف مقابل خود را بشنویم؛ شاید آن حرف‌هایی که او بیان می‌کند کلامی برای تقویت دلایل ما و به نفع ما باشد. اخلاق پیامبر(ص) نیز در برابر مردم این‌گونه بود. ایشان حتی هنگام سخن گفتن با مشرکان نیز با آرامش به سخنان آنان گوش می‌داد، درحالی‌که حرف‌هایشان مستحق گوش دادن هم نبود، به طوری که مشرکان پیامبر(ص) را به خاطر گوش دادن به حرف‌هایشان به تمسخر می‌گرفتند. قرآن در این باره می‌فرماید:

«وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ در میان منافقان کسانی هستند که پیغمبر را می‌آزارند و می‌گویند: او سرپا گوش است (و راست و دروغ را می‌شنود و همه چیز را باور می‌کند). بگو: (او در نهایت لطف و محبت به سخنان خوب و بد شما گوش فرا می‌دهد، ولی به سخن خوب عمل می‌کند و سخن بد را نادیده می‌گیرد و بدان عمل نمی‌کند، و این سرپا گوش بودن او به نفع شما است. او به خدا ایمان دارد (و همه فرموده‌های او را تصدیق می‌کند) و به مؤمنان ایمان دارد (و هر چه بگویند باور می‌کند، چون معتقد به اخلاص ایشان است) و او برای کسانی که از شما که ایمان آورده‌اند رحمت است (زیرا ایشان را به راستای خداشناسی آورده است و راه بهشت را بدانان نموده است). کسانی که فرستاده خدا را می‌آزارند، عذاب دردناکی دارند» (التوبة، ۶۱).

حکایت دیگر از گوش دادن پیامبر اکرم(ص) به صحبت‌های مشرکان به گفت‌وگوی ایشان با عتبه بن ربیععه مربوط می‌شود. عتیبه یکی از مشرکان قریش بود که برای دست کشیدن پیامبر(ص) از دین اسلام و دعوت مردم به آن با ایشان وارد صحبت شد. پیامبر(ص) هنگام سخن گفتن عتیبه، رشته کلام او را پاره نکردند و تا پایان به صحبت‌هایش گوش دادند، آن‌گاه از عتیبه پرسیدند: «ای ابوولید! آیا سخنان تمام شد؟ گفت: آری، آن‌گاه پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم شروع به خواندن آیاتی از قرآن می‌کند» (غلو، ۱۴۲۴ق، ۳۵۷).

در مواردی که به صحبت اشخاصی با طرز تفکر متفاوت با خودمان گوش می‌کنیم، سخنانی را می‌شنویم که با آنها مخالفیم. در چنین حالتی، تمایل طبیعی ما مجادله فکری با گوینده یا رد تمام گفته‌های اوست، اما هیچ‌کدام از این عکس‌العمل‌ها مناسب نیست، نه برای گوینده نه برای خود ما، در هر دو صورت هراحتمالی را برای یادگیری یا ترغیب به آن از دست می‌دهیم، اما این پرسش مطرح می‌شود که آیا این به معنای آن است که باید با هر چه می‌شنوید موافق باشید؟ اصلاً چنین نیست، بلکه معنای آن چنین است که باید ابتدا به تمام صحبت فرد گوش دهید، سپس به قضاوت نهایی دست زنید، بکشید دیدگاه‌های آنها را بفهمید و درک کنید، به عقاید آنها گوش کنید، شواهد و مدارکشان را محک زنید و شیوه استدلالشان را ارزیابی کنید، سپس قضاوت ذهنی خود را بسازید. اگر به عقاید خود اطمینان دارید، نباید از گوش دادن به نظریه‌های مخالف هراسی داشته باشید و اگر مطمئن نیستید، خود دلیلی است بر گوش دادن دقیق. این نکته را هم در نظر داشته باشید که یک

ذهن بسته، ذهن خالی است (لوکاس، ۱۳۸۱، ۹۱). در یک کلام باید گفت که گوش دادن کامل به سخنان حریف نشانه احترام گذاشتن ما به او و مانع خشم و عصبانیت اوست. این را هم بدانیم که بیشتر مدیران درجه یک، سیاستمداران موفق، و معلمان باهوش، شنوندگانی بسیار عالی هستند. بیشتر کارهایی که آنها انجام می‌دهند براساس جذب اطلاعات کلامی‌ای است که دریافت می‌کنند.

۴- دانستن انصاف: همان‌طور که می‌دانیم، یکی از اهداف مناظره روشنگری و حق‌گرایی است. هدف از مناظره نیکو، دعوت به حق و حقیقت و درستی است. حال اگر مناظره به خصومت و دشمن‌ستیزی طرف حق تبدیل شود، آثار سوئی به دنبال خواهد داشت. گفت‌وگوی خشمگینانه و از سر کینه و دشمنی نه تنها دو طرف را به حقیقت نمی‌رساند، بلکه آنها را به عداوت و کینه می‌کشاند. انسان همیشه باید دنبال حق باشد؛ حال اگر آن حق بر زبان فاسق یا کافری جاری شود، باید آن را بپذیرد، اما امروزه کسانی که در فضای مجازی و رسانه‌ها برای نشان دادن حق و پیدا کردن آن تلاش می‌کنند، زمانی که حق را در طرف دیگری مشاهده می‌نمایند، به راحتی درصد کتمان آن برمی‌آیند و حاضر نیستند آن را قبول کنند. این در حالی است که در اسلام، بارها پذیرش حق حتی اگر نزد دیگری باشد، سفارش شده است؛ همچنان که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «حکمت و علم گمشده مؤمن است، آن را جست‌وجو کنید حتی اگر نزد مشرک یا منافق باشد» (نهج البلاغه، حکمت ۸۰). ایشان خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «نسبت به خدا و بندگانش انصاف را از دست مده و نسبت به اطرافیان و خانواده و زیردستان انصاف داشته باش که اگر انصاف، پیشه خود نسازی ستم کرده‌ای و کسی که به بندگان خدا ستم کند خدا دشمن اوست و کسی که خدا دشمن او باشد دلیلش را باطل می‌سازد [عذرش را نمی‌پذیرد] و چنین شخصی با خدا در جنگ است مگر آنکه دست از ستم بردارد و توبه کند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). خداوند نیز در این باره در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ؛ با دوست و دشمن خود به عدل و انصاف عمل کنید که این روش، به تقوا نزدیک‌تر است» (المائدة، ۸)؛ پس اعتراف به اینکه حق با کسی دیگر است و من خطا و اشتباه کردم، هیچ‌وقت کسر شأن نبوده است و از ارزش‌های فرد چیزی نمی‌کاهد، بلکه دلیل بر شجاعت و قوت نفس اوست و منزلت فرد را نزد مردم بالا می‌برد.

۵- احترام گذاشتن به شخص مقابل: پیروزی در یک مناظره و گفت‌وگو در گرو خرد کردن و تحقیر و بی‌احترامی شخص مقابل نیست، بلکه این افعال نشانه ضعف و شکست شخص است. با اندکی تأمل در مناظره‌ها و گفت‌وگوهای پیروان مذاهب اسلامی در شبکه‌های ماهواره‌ای این

موضوع روشن می‌شود که بیشتر آنها به جای بحث علمی، به بی‌احترامی و خُرد کردن شخصیت دیگری و ریختن آبروی برادر مسلمان خود به هر طریق برای اثبات برحق بودن خود چنگ می‌زنند. خداوند در قرآن درباره احترام گذاشتن به یکدیگر می‌فرماید: «وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا؛ هرگاه شما را تحیت و سلامی گفتند، شما نیز باید به تحیت و سلامی بهتر از آن یا مانند آن پاسخ دهید» (النساء، ۸۶). پیامبر(ص) نیز فرموده‌اند: «مؤمن، طعنه‌زن و نفرین‌کننده و فحش و ناسزاگو نیست» (ترمذی، ۱۹۹۸م، ۳ / ۴۱۸، حدیث ۱۹۷۷) و «بهترین شما، کسی است که اخلاقش زیباتر و بهتر باشد» (بخاری، ۱۴۲۲ق، حدیث ۳۵۵۹).

۶- **بالا نبردن صدا هنگام سخن گفتن و رعایت اعتدال صدا هنگام بیان کلام:** بالا بردن صدا هنگام سخن گفتن هیچ‌وقت از نشانه‌های داشتن دلیل قاطع یا پیروزی در مناظره نبوده است و نخواهد بود. انسان هر چه با آرامش و طمأنینه صحبت کند و روی نفس سرکش خود در این باره پابند، آن وقت پیروز حقیقی خواهد بود. یادمان باشد همیشه ارزشمندترین چیزها مانند صدف و مروارید در اعماق دریا و گنج‌ها در اعماق زمین هستند، با اینکه در مرتبه پایین‌تری نسبت به دیگران هستند، اما همیشه ارزشمند هستند.

خداوند در نكوهش بالا بردن صدا چه زیبا می‌فرماید: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا؛ خدا دوست نمی‌دارد که کسی به گفتار زشت (به عیب خلق) صدا بلند کند مگر آنکه ظلمی به او رسیده باشد، همانا که خدا شنوا و داناست» (النساء، ۱۴۸)؛ همچنین خداوند می‌فرماید: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا؛ و به زبان خوش با مردم تکلم کنید» (البقرة، ۸۳) و نیز می‌فرماید: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ و به بندگام بگو: سخنی را که نیکوتر است، بگویند» (الإسراء، ۵۳). حتی خداوند در مورد غیرمسلمانان نیز سفارش می‌کند که با آنها با کلام احسن سخن بگویند؛ سخن احسنی که امروز در رسانه‌هایی که در حال مناظره هستند نه تنها با غیرمسلمانان، بلکه با هم‌دینان و هم‌کیشان خود نیز دیده نمی‌شود، حال آنکه خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ؛ کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید» (الأنعام، ۱۰۸). لقمان حکیم نیز چه زیبا به پسرش سفارش می‌نماید: «وَأَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ؛ و سخن آرام گو (نه با فریاد بلند) که زشت‌ترین صداها صوت الاغ است» (لقمان، ۱۹). سخنانی که از پیامبر اکرم(ص) در ستایش صدای آهسته و نکوهش صدای بلند آمده فراوان است (رک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۷ / ۸۲؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ۱۱ / ۸۸).

ترفندهای برخی شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای اسلامی برای اثبات حقانیت مذهب خود

برخی از شبکه‌های ماهواره‌ای تلویزیونی که به نام اسلام در حال فعالیت هستند و اصحاب رسانه و حتی بسیاری عوام الناس نیز با آنها آشنایی دارند، برای جلب افکار عمومی به خود و اثبات برحق بودن اندیشه و افکار مذهب خود، به جای گفت‌وگو و جدال احسن به برخی ترفندهای ناجوانمردانه و کذب روی می‌آورند که در ادامه به آنها اشاره شده است:

۱- دادن آدرس غلط هنگام ارجاع به یک منبع دینی

بسیاری مواقع پیش آمده است که در رسانه‌های ماهواره‌ای، شخص بعد از اینکه عرصه را بر خود به دلیل نداشتن دلایل کافی برای اثبات ادعاهای خود، تنگ می‌بیند، به حیل‌های کاذب روی می‌آورد و با گفتن اینکه این حرف ناحق و خلاف حق در کتب مذهب شخص مقابل آمده (درحالی‌که نیامده) و دادن آدرس غیرصحيح و دروغ، می‌کوشند ذهن عموم مردم را منحرف و آنها را فریب دهند.

۲- قیچی کردن قسمتی از آیه یا حدیث به نفع خود و مصادره به مطلوب به نفع خویش

این هم همواره از روش‌هایی است که برای اثبات مدعای خویش، حدیث یا آیه‌ای را، اول یا آخر آن را به نفع خود قیچی کرده و از این طریق ذهن پاک و ساده بسیاری از مردم را می‌فریبند و با این روش ناجوانمردانه و ناعادلانه می‌کوشند گفته‌های خود را اثبات کنند.

۳- دروغ گفتن هنگام بیان مطلبی برای اثبات کلام خود

برای اثبات اینکه فلان عقیده و نظر را طرف مقابل قبول ندارد، می‌گویند این مطلب یا حدیث مثلاً در مذهب شما در فلان کتاب آمده و نقل شده است، درحالی‌که اگر در منابع آن مذهب یا شخص هم آمده، نقل آن صرفاً برای رد کردن آن بوده است و نه صحت گذاشتن بر آن، و همان‌طور که همه می‌دانند برای رد یک مطلبی باید اول آن مطلب را نقل و بعداً با دلایل آن را رد کرد؛ پس عده‌ای با این شیوه می‌کوشند ذهن مردم را منحرف سازند و با فریب آنها، خود را پیروز نشان دهند.

۴- تهمت زدن به شخص مقابل برای جلوه دادن ناحق بودن او

برخی موارد مشاهده شده که شخصی پس از اینکه از آوردن دلایل قطعی برای اثبات خود و گفته‌هایش عاجز مانده، مناظره را به نفع خود به سوی دیگری پیش برده و با اتهام‌های مختلفی همچون تهمت اخلاقی، تهمت سرقت، و...، به تخریب شخصیت طرف مقابل دست زده است.

نتیجه:

از مجموع آنچه گفته شد نتایج زیر به دست می‌آید:

۱- در فرهنگ و ارتباطات دینی برای حل اختلافات، اولین گزینه گفت‌وگو و جدال احسن است. گفت‌وگو از آن رو مهم شمرده می‌شود که می‌تواند بهترین شیوه برای دعوت به اسلام، بیدار کردن ناآگاهان در داخل دین و حل مسائل اجتهادی اختلافی باشد و از به پا کردن جنگ و ریختن خون‌های بسیاری جلوگیری کند.

۲- در مطالعات فرهنگی دین اسلام، گفت‌وگو، مناظره یا جدال احسن نوعی فن است که آداب و قوانین خاص خود را دارد و هر فرد قبل از ورود به آن، باید آن آداب و قوانین را بداند، مانند مشخص کردن موضوع مورد بحث، بحث درباره اصل نزاع قبل از مطرح کردن فروع آن و مشخص کردن مراجعی برای رجوع به آنها هنگام اختلاف در گفت‌وگوها.

۳- مناظره‌کننده باید با سخن گفتن واضح و صریح، داشتن قاطعیت، هدفی مشخص، دارا بودن هوش و فهم عمیق، اخلاص و فروتنی با طرف خود مجادله کند تا گفت‌وگو به نتیجه برسد.

۴- بالا بردن صدا هنگام مناظره، استفاده از واژه‌های بی‌ربط و مذموم، پریدن و قطع کردن بی‌مورد سخن طرف مقابل، کفر و بدعت دانستن و مردود شمردن سخنان طرف گفت‌وگو، از ویژگی‌های منفی و نکوهیده‌ای است که دین اسلام، آن را از عواملی برشمرده است که سخن میان دو تن یا گروه را به بی‌نتیجه ماندن و حتی جنگ سوق می‌دهد.

۵- جدالی احسن شمرده می‌شود که با نیت خالص، فروتنی در کلام و داشتن عفت کلام، داشتن هنر خوب شنیدن و خوب گوش دادن، داشتن انصاف، نگاه داشتن احترام همدیگر، رعایت اعتدال در سخن گفتن همراه باشد.

۶- رسانه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای ابزاری است قوی برای تبلیغ دین، و این مهم زمانی تحقق پیدا می‌کند که رسانه‌های اسلامی چه در درون و چه در برون خود، به آداب و چهارچوبی که خداوند و پیامبر اکرم (ص) تعیین کرده‌اند و نیز به فقه رسانه و آداب آن پایبند باشند.

۷- شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای که به نام اسلام تأسیس شده‌اند اما هدفشان از مناظره و گفت‌وگو صرفاً توهین، افترا، باطل جلوه دادن دیگران چه در داخل اسلام و چه در خارج از اسلام باشد، رسانه‌های بیگانه و دست‌پرورده دشمنان اسلام هستند و هیچ‌وقت منعکس‌کننده معارف اسلامی به شمار نمی‌آیند.

۸- اگر شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای اسلامی با رعایت چهارچوبی که شرع در اسلام تعیین کرده، به بحث علمی و گفت‌وگو دست زنند، نه تنها عاملی برای کم کردن اختلاف بین مسلمانان، بلکه رسانه‌ای خواهند بود که می‌تواند بلندگو و پرچم اسلام نسبت به جهان خارج باشد.

منابع و ماخذ:

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابراهیمی، نبی الله (۱۳۹۰). «تأثیر شبکه های اجتماعی و کانال های ماهواره ای در وقوع و تکوین انقلاب های عربی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۵۲ (تابستان).

ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۹۹ق). *النهاية في غريب الحديث والأثر*، بيروت: المكتبة العلمية.

ابن فارس، احمد (۱۳۹۹ق). *معجم مقاییس اللغة*، بی جا: دارالفکر.

ابن کثیر، دمشق (۱۴۰۸ق)، *البدایة والنهاية*، بی جا: دار إحياء التراث العربی.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، چ سوم، بیروت: دار صادر.

ابن هشام، عبدالملک (۱۳۷۵ق). *السيرة النبوية*، چ دوم، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده.

ابونعیم، احمد بن عبدالله (۱۴۰۹ق). *حلیه الاولیاء*، بیروت: دارالکتب العلمية.

استوت، دانیل (۱۳۸۸). *برگزیده دانش نامه دین ارتباطات و رسانه*، چ اول، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، قم: مرکز پژوهش های اسلامی.

بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق). *صحیح بخاری*، بی جا: دار طوق النجاة.

ترمذی، محمد بن عیسی (۱۹۹۸م). *سنن ترمذی*، بیروت: دارالغرب الإسلامي.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق). *الصحاح*، چ چهارم، بیروت: دارالعلم للملایین.

حموی، یاقوت (۱۹۹۵م). *معجم البلدان*، چ دوم، بیروت: دار صادر.

زبیدی، مرتضی (بی تا). *تاج العروس من جواهر القاموس*، بی جا: دارالهدیه.

زحیلی، وهبة (۱۴۲۲ق). *التفسیر الوسیط*، دمشق: دارالفکر.

سفیدی، هوشمند (۱۳۸۸). *راهبردهای عملی روابط عمومی*، تهران: مؤسسه تحقیقات روابط عمومی.

شاکرنژاد، احمد (۱۳۸۹). «شیوه های تبلیغ مسیحیت در شبکه های ماهواره ای»، *مجله پیام*، ش ۱۰۲ (پاییز).

شیبانی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق). *نهج البیان عن کشف معانی القرآن*، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.

طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، تهران: مکتبة المرتضوية.

العکری الحنبلی، أبو الفلاح (۱۴۰۶ق). *شذرات الذهب في اخبار من ذهب*، دمشق: دار ابن کثیر.

غلو ش، احمد (۱۴۲۴ق). *السيرة النبوية والدعوة في العهد المکی*، بی جا: مؤسسة الرسالة.

قادری، سید حمیدرضا (۱۳۹۱). *جستارهایی در رسانه*، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق). *الکافی*، چ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیة.

لوکاس، استفن ای (۱۳۸۱). *هنر سخنرانی*، ترجمه ساده حمزه و باباطاهر علیزاده، تهران: رشد.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *مجارالأنوار*، چ دوم، بیروت: مؤسسة الوفاء.

محمدزاده، محمدجعفر (۱۳۹۲). *رسانه شناخت*، چ سوم، تهران: دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۰). *صحیفه نور*، تهران: سازمان چاپ و نشر.

نوری، حسین بن محمد (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.

نیشابوری، مسلم (بی تا). *صحیح مسلم*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

وزارت اوقاف کویت (۱۴۰۴ق). *موسوعة الفقیة الكويتية*، چ دوم، کویت: دارالسلاسل.